

روباهایی که می آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

کانون تهدید

■ **درام‌ها و کمدی‌هایی که این هفته بر پرده رفته‌اند، پیش از هر چیز دیگر به خانواده پرداخته‌اند؛ چه به‌عنوان یک پناهگاه نجات‌بخش و چه به‌عنوان کانونی برای تهدید و خطر.**



The Descendants

سفر ترازیک یک پدر بی‌مسئولیت برای دیدار دوباره با همسرش که در اغما فرو رفته است و نگاه دوباره او به گذشته و آینده‌ای که با دو دخترش در پیش رو دارد، دستمایه‌فیلمی کمدی-درام به کارگردانی الکساندر پاین، سازنده «درباره‌اشمیت» و «راهای فرعی» قرار گرفته است.فیلمنامه را الکساندر پاین، نت فاکسون و جیم راش بر اساس کتابی به همین نام به قلم خاتم کلوی هارت همیگز نوشته‌اند. زمان نمایش فیلم ۱۱۵ دقیقه است و جورج کلونی، شایلین وودلی، بو بریزر، رابرت فارستر و جودی گریر در فیلم حضور دارند.

چکامه گرگ و میش: جدایی-قسمت اول



The Twilight Saga: Breaking Dawn - Part 1

در چهارمین فیلم از مجموعه «گرگ و میش» بر اساس چهارمین رمان استفانی مایرز، ادوارد (رابرت پتینسن) و بلا (کریستن استورت) انتظار کودکی را می‌کشند که هم از جانب قبیله خون‌آشام‌ها تهدیدی به شمار می‌آید و هم از طرف گرگ‌نماها.فیلمنامه را ملیسا روزنبرگ نوشته و بل کلدن فیلم را کارگردانی کرده است.تیلور لوتنر، پیترا فاسینلی، اشلی گرین، بیلی بورک و سارا کلارک از دیگر بازیگران این فیلم هستند که در زمان ۱۱۷ دقیقه و با درجه پی- جی ۱۳ به نمایش درآمده است.

خوش قدم ۲



Happy Feet Two

قهرمان دنباله انیمیشن نامزد اسکار «خوش‌قدم» که چشم‌اندازهای خیره‌کننده قطب جنوب را به صورت سه‌بعدی به نمایش می‌گذارد، پسر پنگوئن امپراتور فیلم قبلی است که اریک نام دارد و برای یافتن استعداد خودش تلاش می‌کند. در همین حال، خانواده و دوستان او متوجه می‌شوند که خطری بزرگ همه آنها را تهدید می‌کند. جورج میلر این فیلم را کارگردانی کرده است و لیا وود، رابین ویلیامز، هنک آزاریا، برد پیت، مت دیومن، سوفیا وگا را و هوگو ویونگ از جمله صدایشانگان آن هستند.



Another Happy Day

لین (الن بارکین) برای ازدواج پسر بزرگ‌ترش دیلان (مایکل ناردلی) که سال‌ها از او دور بوده است، همراه با سه فرزند کوچک‌ترش (آزرا میلر، کیت بوسورث و دانیل بلسکی) به شهر پدر و مادرش (جورج کندی و الن برشتین) بازمی‌گردد. اما روی‌سای یک تجدید دیدار شادابی‌بخش به زودی نقش بر آب می‌شود، مخصوصا وقتی سر و کله بقیه افراد خانواده (سیوپهان فاولن، دایانا اسکاروید، تامس هایدن چرچ و دمی مور) پیدا می‌شود. سم لوینسن این کمدی-خرام ۱۱۹ دقیقه‌ای را نوشته و کارگردانی کرده است.



Garbo: The Spy

«گاربو» نامی بود که یک جاسوس دوجانبه اسپانیایی به نام خوان بوپول گارسیا در جریان جنگ جهانی دوم برای خود انتخاب کرده بود. البته ماموران اطلاعاتی بریتانیا و را به این نام می‌شناختند و آلمانی‌ها به او «الاریک» می‌گفتند. این جاسوس تأثیر مهمی در سرنوشت جنگ، به‌ویژه در حمله متفقین به نورماندی بر جا گذاشت و چهره تاریخ را عوض کرد. مستند ۸۸دقیقه‌ای «گاربو: جاسوس» محصول کشور اسپانیا را ادمن راش کارگردانی کرده است.

سینمای جهان

گفت‌وگو با الکساندر پاین، کارگردان «زادگان»

سینما از دیالوگ پر هیز دارد

آن تامپسن/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



OutNow

در میان همه فیلم‌های پاییزی، یکی که باعث شد از خنده دل درد بگیرم و احساس کنم که این از نامزدهای جایزه اسکار در چندین رشته خواهد بود، کمدی کم خرج و دلچسب «زادگان» است که روز ۱۸ نوامبر اکران می‌گیرد؛ بازگشتی به روی پرده برای الکساندر پاین کارگردان که جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی را (همراه با جیم تایلر) برای «راه‌های فرعی» محصول ۲۰۰۶ ربود. در جشنواره تلوراید امسال، جورج کلونی به من گفت: «آلکساندر باید فیلم‌های بیشتری بسازد.» من در همان جشنواره توانستم با این نویسنده و کارگردان کم‌حرف گفت‌وگویی داشته باشم. آن هم در زمانی که از این سالن سینما به آن یکی می‌رفتم و او تر جیح می‌داد فیلم‌ها را تماشا کند تا آنکه درباره‌شان حرف بزند. پیش از آن با هم صحبت نکرده بودیم، او نویسنده‌ای تیزبین، متفکر و بامزه، محبوب و در عین حال از خود مطمئن است که از نبراسکا آمده (گاهی اوقات در اوماها زندگی می‌کند و گاهی در لس آنجلس) و هنوز هم برای فیلم ساختن در هالیوود مانور

■ **خب لحظه‌هایی هم وجود دارند که این شخصیت در یک دشت مثل یک آدم ابله به این طرف و آن طرف می‌دود.**

بله. این هم نقطه ضعف من است که به طنز تصویری گرایش دارم. پیش خودم فکر می‌کردم که «این طوری بامزه می‌شود.» در فیلمنامه فقط نوشته شده بود: «مت در خیابان می‌دود.» ولی من می‌خواستم از آن سکلسی در بیاورم که کمی کمدی باشد. این‌طور فکر نمی‌کردم که «با این کار از او یک ابله می‌سازم و دوست‌داشتنی‌تر می‌شود.» فقط در ذهنم این بود که «خنده‌دار است.»

■ **دایم از دیالوگ استفاده نمی‌کنید، این‌طور نیست؟**

سینما از دیالوگ پر هیز می‌کند. تئاتر شیفته دیالوگ است، مثل چپه گرهای که عاشق ششیر گرم است. بنابراین با اینکه فیلم قرار است فیلم ناطق باشد، تماشاگر از آن انتظار تصویر دارد، نه اینکه مدام کلمه بشنود.

■ **شما بیشتر واکنش بازیگران را می‌خواستید؟**

بله. چهره یک بازیگر گوشت... البته قرار نیست همه چیزهایی که در

است، اما به شکلی خارق‌العاده دوست‌داشتنی است و در صحنه خداحافظی با دخترش قلیمان به درد می‌آید. مسلما او شخصیتی است که تماشاگر بیش از هر شخصیت دیگری در فیلم دلش برای او می‌سوزد. یک آدم عوضی که چنین زنجی را تحمل می‌کند. یک نظامی سابق.

■ **برای هر صحنه معمولا چند برداشت گرفتید؟**

به معمولاً سه تا شش برداشت می‌گیرم. ■ **شما این فیلم را یک درام می‌دانید، البته درام هست، حتی با اینکه فیلمی خنده‌دار است.**

بله، فکر می‌کنم همین‌طور باشد. گزارش اصلی برنامه یکشنبه صبح کانال PBS درباره ناپدید شدن فیلم‌های اشک‌آور بود، منظور همان فیلم‌هایی است که یک وقتی می‌گفتیم: «باید بروی این فیلم را ببینی و حسایی گریه کنی.» چقدر مردم از تماشای «شرایط مهرورزی» و «کریمر علییه کریمر» لذت می‌برند. وقتی تازه تدوین فیلم را تمام کرده بودم و موقع میکس آن را تماشا می‌کردم، پیش خودم گفتم: «اها، شاید این فیلم تا اندازه‌ای بتواند چنین عطشی را سیراب کند. تا اندازه‌ای احساسات داشت که بشود آن را یک درام بزرگسالانه نامید. در نهایت احساساتی نیست بلکه پر احساس است. بنابراین خیلی کنج‌کاوَم که ببینم آیا اشک کسی را در می‌آورد یا نه. اگر بتواند این طغش را سیراب کند، من خیلی خوشحال خواهم شد.

■ **کوتاه‌شده از ایندی وایر**

آن انتخاب شده است. آلکس با وجود تذکراتی پدرش به ناسزا گفتن ادامه می‌دهد و گاهی اوقات خواهر کوچکش اسکاتی هم عبارات او را تکرار می‌کند. سید که در ابتدا کاملا گیج به نظر می‌رسد و همیشه همه چیز را اشتباه می‌گوید، بعدا در صحنه‌ای نشان می‌دهد که باید به او به یاد دیگری نگاه کرد. همچنین صحنه برخورد متیو با مردی که مشکلاکی در زندگی‌اش به وجود آورده، موجب رضایت خاطر تماشاگر خواهد بود و این حس، مخصوصا با صحنه معرکه‌ای که پس از آن می‌آید و در آن، همسر آن مرد با بازی عالی جودی گریر حضور دارد، تشدید می‌شود. با این حال، این کلونی است که با ایفای نقش یک آدم دست‌کم گرفته شده و گاهی اوقات خودکم بین، بیشترین بار را بر دوش می‌کشد. او در بیشتر زمان‌ها روی پرده حضور دارد (و راوی داستان نیز هست) و کاری می‌کند که گذراندن زمانی به طول حدود دو ساعت با چنین شخصیتی که مجبور است بیش از حد تحملش بار را بر گرده خود تحمل کند، برای تماشاگر آسان باشد. بازی متقاعدکننده وودلی نیز در نقش دختری که نسبت به پدرش مهربان‌تر می‌شود و به مدافع سرسخت او بدل می‌شود، نقش مهمی در موفقیت فیلم دارد. میلر و کراوس در نقش دو عضو دیگر این محفل، عالی ظاهر شده‌اند و حتی پاتریشیا هستی در نقش الیزابت که بی‌حس و بی‌هوش بر تخت بیمارستان افتاده، به یاد ماندنی است.

فیلم نگاهی غیرتوریستی به هاوایی و زندگی روزمره در آن سرزمین دارد و شرایط آب و هوایی متفاوتی تا آنچه در فیلم‌ها مرسوم است را به نمایش می‌گذارد. در این فیلم ابراهای سن‌گین و تیره، مه و باران، منظره آفتابی معمول را به کنار می‌زند. موسیقی متن فیلم نیز که تقریبا در همه موارد از آهنگ‌های محلی به شیوه‌ای متناسب و بیانگر بهره برده، موردی استثنایی و مثال‌زدنی است.

منبع: **هالیوود ریپورتر**

سینمای جهان

گفت‌وگو با الکساندر پاین، کارگردان «زادگان»

سینما از دیالوگ پر هیز دارد

آن تامپسن/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



OutNow

در میان همه فیلم‌های پاییزی، یکی که باعث شد از خنده دل درد بگیرم و احساس کنم که این از نامزدهای جایزه اسکار در چندین رشته خواهد بود، کمدی کم خرج و دلچسب «زادگان» است که روز ۱۸ نوامبر اکران می‌گیرد؛ بازگشتی به روی پرده برای الکساندر پاین کارگردان که جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی را (همراه با جیم تایلر) برای «راه‌های فرعی» محصول ۲۰۰۶ ربود. در جشنواره تلوراید امسال، جورج کلونی به من گفت: «آلکساندر باید فیلم‌های بیشتری بسازد.» من در همان جشنواره توانستم با این نویسنده و کارگردان کم‌حرف گفت‌وگویی داشته باشم. آن هم در زمانی که از این سالن سینما به آن یکی می‌رفتم و او تر جیح می‌داد فیلم‌ها را تماشا کند تا آنکه درباره‌شان حرف بزند. پیش از آن با هم صحبت نکرده بودیم، او نویسنده‌ای تیزبین، متفکر و بامزه، محبوب و در عین حال از خود مطمئن است که از نبراسکا آمده (گاهی اوقات در اوماها زندگی می‌کند و گاهی در لس آنجلس) و هنوز هم برای فیلم ساختن در هالیوود مانور

■ **خب لحظه‌هایی هم وجود دارند که این شخصیت در یک دشت مثل یک آدم ابله به این طرف و آن طرف می‌دود.**

بله. این هم نقطه ضعف من است که به طنز تصویری گرایش دارم. پیش خودم فکر می‌کردم که «این طوری بامزه می‌شود.» در فیلمنامه فقط نوشته شده بود: «مت در خیابان می‌دود.» ولی من می‌خواستم از آن سکلسی در بیاورم که کمی کمدی باشد. این‌طور فکر نمی‌کردم که «با این کار از او یک ابله می‌سازم و دوست‌داشتنی‌تر می‌شود.» فقط در ذهنم این بود که «خنده‌دار است.»

■ **دایم از دیالوگ استفاده نمی‌کنید، این‌طور نیست؟**

سینما از دیالوگ پر هیز می‌کند. تئاتر شیفته دیالوگ است، مثل چپه گرهای که عاشق ششیر گرم است. بنابراین با اینکه فیلم قرار است فیلم ناطق باشد، تماشاگر از آن انتظار تصویر دارد، نه اینکه مدام کلمه بشنود.

■ **شما بیشتر واکنش بازیگران را می‌خواستید؟**

بله. چهره یک بازیگر گوشت... البته قرار نیست همه چیزهایی که در

نقدی بر فیلم «زادگان»

کمدی جادویی

تاد مک کارتتی

مساله الیزابت که در قالب این درام احساسی هیچ امیدي به بازیابی سلامتش نیست، پهنه‌ای می‌شود برای آنکه تقی به تاریخ هاوایی رده شود. قدمت خانواده متیو در آن جزیره به سال‌های ۱۸۶۰ می‌رسد و باید در مورد فروش ۲۵ هزار جریب زمین در اسکله کواوویی ظرف چند روز تصمیم بگیرند. در آمد حاصل از این فروش، ثروتی است که اقوام بر تعداد متیو، از جمله دهقانی که بو بریزر نقش او را به زیبایی ایفا می‌کند؛ از آن بهره‌مند می‌شوند و این موضوع با سفر گروه چهار نفره متیو، دو دخترش و سید به این مکان که نتایج بامعنایی منجر می‌شود. موفقیت این فیلم تا حد زیادی مرهون لوج و فرود احساسی، نوسان‌های فکری، نگرش‌های جهت‌دار و تمایلات شخصیت‌های اصلی است و گروه بازیگران معرکه‌ای برای در لحظاتی به همین اندازه حساس تکرار می‌کند.



تازه چه خبر دکتر جون؟

تاخیر دکتر هو

■ هفته پیش خبر رسید که دیوید ییتز، کارگردان انگلیسی چهار فیلم آخر مجموعه «هری پاتر»، قرار است مجموعه تلویزیونی علمی-تخیلی «دکتر هو»

شبکه بی. بی. سی را به فیلم سینمایی برگرداند اما چند روز بعد از آن، ددلاین گزارش داد که ساخته شدن فیلم «دکتر هو» مدتی به تاخیر می‌افتد چون ییتز قرار است پیش از آن فیلم دیگری با نام «بازی تقلید» را بسازد. بنا بر این گزارش، شرکت برادران وارنر نویسنده‌ای به نام گراهام مور را با دستمزدی کلان استخدام کرده است تا فیلمنامه «بازی تقلید» را بنویسد که درباره یک عملیات جاسوسی جنگ جهانی دوم و شکستن رمز آلمانی‌ها موسوم به «نیکما» است.پیش از این صحبت از بازی دی کاپریو و کارگردانی ران هاوارد در این پروژه بود، اما فعلا حضور ران هاوارد منتفی شده است.

من، فرانکشین

■ بیل نای، بازیگر انگلیسی که در فیلم‌هایی مانند قسمت‌های دوم و سوم مجموعه «زدان دریایی کارائیب» و همچنین در مجموعه فیلم‌های «دنیای

زیرین» بازی کرده، قرار است نقش منفی فیلم ترساک «من، فرانکشین» را بر عهده بگیرد. به گزارش ورائتی، نایی در این فیلم شاهزاده شیطان صفتی است که با آرون اکهارت در نقش قهرمان داستان می‌جنگد «هن، فرانکشین» اقتباس از رمان گرافیکی است به قلم کوین گرویو (یکی از پدیدآورندگان مجموعه فیلم‌ها «دنیای زیرین») که استوارت ییتسی آن را کارگردانی خواهد کرد. در هفته جاری فیلم انیمیشن «زوتو کریسمس» با صدایبشگی نایی به نمایش درخواهد آمد و فیلم‌های «خشم تایتان‌ها» «جک گلش کوش» و «بادآری مطلق» با بازی او به زودی اکران خواهند گرفت.

زمستان در زمستان

■ آدم رپ نمایشنامه نویس و رمان‌نویس، یکی دیگر از نمایشنامه‌های موفق خود را به فیلم برمی‌گرداند. او قبلا در سال ۲۰۰۵ هم نمایشنامه دیگری از خود با عنوان «گذر زمستان» را با بازی زویی شائلن و ویل فرل در سینما کارگردانی کرده بود و قرار است نمایشنامه «زمستان خط قرمز» را که در سال ۲۰۰۵ نوشته، در همین زمستان و در ماه ژانویه (دی-پهنم) جلو دوربین ببرد. به گزارش ایندی وایر، خاتم کرستن دانست، بازیگر «هالیوولیا» و برنده جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن امسال همراه با مارک رافالو (جزیره شاتز) و ببلی کراپاد (دشمنان جامعه) در این کمدی سیاه که به شکراب شدن میانه دوستانی صمیمی به علت دخالت یک زن فرانسوی می‌پردازد، بازی می‌کنند.

بار دیگر هاوارد هیوز

■ هالیوود همچنان دوستی به غول دوران گذشته خود، هاوارد هیوز که یکی از پیشتگمان صنعت هوانوردی نیز بود، چسبیده است. شش سال بعد از فیلم

«هوانورد» مارتین اسکورسیزی نوبت به وارن بیتی رسیده است تا بحث خود را در این زمینه پیازماید. بیتی که خود از بازیگران دوران قدیم هالیوود است و از «شکوه علفزار» کازان و «بانی و کلایلد» آرتور پن تا «بگزی» و «دیک ترپسی» را در کارنامه بازیگری‌اش دارد، در فیلمی که کارگردانی خواهد کرد، بیشتر به مسایل زندگی خصوصی هیوز در هالیوود و ستاره‌های سینمای آن دوران، آوا گاردنر و کاترین هپبورن خواهد پرداخت. به گزارش ددلاین، از فلیسیتی جونز، بازیگر فیلم «دیوانه‌وار» برای بازی در این فیلم دعوت شده و آنت بنینگ، همسر بیتی هم احتمالا در فیلم حضور خواهد داشت و جک نیکلسن، آلک بالدوین و اوون ویلسن نیز در آن بازی می‌کنند ولی مشخص نشده کدام یک از آنها ایفاگر نقش هیوز است.

قتل در صف کارناوال

■ کارگردان فیلم «امپراپسان» که فیلمش این روزها بر تارک جدول فروش نشسته است و اخیرا «پنه آینه» را بر اساس افسانه سفیدبرفی تکمیل کرده

است، به سرعت خود را برای ساختن یک اثر دلهره‌آور فوتوریستی آماده می‌کند. بنجمن فیلم تارسم سینگ، فیلمساز متولد هندوستان، «قتل در صف کارناوال» نام دارد که به گزارش ددلاین فیلمنامه‌اش را تراویس بیچام، نویسنده فیلمنامه «جبر تایتان‌ها» نوشته است و داستان آن در شهری تخیلی به نام بوگرو می‌گذرد با ظاهری شبیه به لندن قرن هجدهم و جمعیتی متشکل از انسان‌ها و «مخلوق‌ها» که مردم آن به وجود یک قاتل سربالی در میان خود بی می‌برند. در واقع این پروژه از شش سال پیش در جریان است و قبلا قرار بوده گی برمو دل تورو یا نیل جوردن آن را کارگردانی کنند، اما تهیه‌کنندگان فیلم، لئونارد و آن کایلسن، اکنون همای سعادت را بر دوش تارسم سینگ می‌بینند.